

ارزیابی های فادرست سیاسی

ارزیابی فادرست نیروها و حوادث ، و عدم سازماندهی
منظم انقلابیون از عوامل شکست انقلاب محمد نفس
زکبه بود .

منصوری این مدت برای آگاهی از
محل اختفای او کوشش های فراوانی به
عمل آورد ، تهدیدها کرد ، تطمیع هانمود ،
فرمانداران مدینه را عوض کرد ، چندبار
شخصاً به حجاز سفر کرد ، عبدالله ، (پدر
محمد) و بستگان او را بازداشت کرده زیر
نظار گذاشت و ... اما با همه اینها موفق
به کشف محل اختفای او نشد .

منصوری دانست که هر قدر مدت اختفای
محمد طولانی شود ، نیرومندتر ، و دامنه
نفوذ و تبلیغاتش گسترده تر خواهد شد . از
این رو به این نتیجه رسید که باید کاری
بسال بیست و یکم شماره ۵

از جمله عوامل پیروزی منصور عباسی
و شکست انقلاب محمد زکبه ، عامل
سیاسی بود .

منصور با يك سلسله شگردها و تاکتیک
های سیاسی ، توانست بر محمد پیروز گردد
که از آن جمله می توان از تحریک غیر-
مستقیم او ، جهت فعالیت آشکار ، نام
برد .

توضیح اینکه محمد سال ها بود مخفیانه
زندگی می کرد و يك سلسله عملیات میری
را به منظور فراهم ساختن مقدمات انقلاب
رهبری می نمود .

منصور علاوه بر اینها، به فرمانده بزرگ سپاه خود «حمید بن قحطبه» تعلیم داد که نسبت به محمد اظهاز علاقه و اطاعت کرده و انمود کند که پشتیبان اوست، ولی نمی تواند از جنگ منصور، رهائی پیدا کند.

حمید، این نقش را با مهارت ایفا کرد و توانست اعتماد محمد را جلب کند.

این معنی از سخنرانی محمد که در ۱۲ رمضان سال ۵۱۳۵هـ، چند روز پیش از آغاز جنگ، در مدینه ایراد کرد، بخوبی روشن می گردد. وی آن روز ضمن سخنان خود چنین گفت:

«... مردم خراسان با من بیعت کرده اند حمید بن قحطبه نیز با من بیعت کرده است، و اگر بتواند از جنگ منصور فرار کند، حتماً این کار را خواهد کرده!» (۲)

حمید که با این حيله گری های خود، اطمینان محمد را این گونه به خود جلب کرده بود، پس از قیام محمد، فرماندهی یکی از وسپاه را که منصور برای جنگ با وی به مدینه گسیل داشت، به عهده گرفت.

محمد که قبلاً تحت تأثیر فریب کاریهای او قرار گرفته بود، از پایداری او در جنگ با اهل مدینه و اطاعت از منصور، تعجب می کرد به طوری که روزی به وی پیام فرستاد که: مگر تو قبلاً با من بیعت نکرده بودی پس این مقاومت چیست؟!

کرد که محمد پیش از آن که آمادگی کامل پیدا کند، اعلام انقلاب نموده به فعالیت آشکار بپردازد تا بتواند انقلاب او را در نخستین مراحل، سرکوب سازد، به همین جهت تصمیم گرفت ترتیبی بدهد که محمد خود را به حد کافی دارای نفوذ و قدرت پنداشته بر اساس همین پندار، هر چه زودتر آشکار گردد.

نامه های معمول

منصور، برای رسیدن به این هدف، از راه حيله و نیرنگ وارد شده نامه هایی به نام فرماندهان و یاران برجسته خود خطاب به محمد جعل می کرد که طی آنها از اومی خواستند هر چه زودتر ظاهر شود، و اعلام می کردند که به محض قیام او، از اطاعت منصور سرپیچی نموده به او خواهند پیوست! (۱)

محمد این نامه ها را واقعی پنداشته خیال می کرد که محض آن که قیام کند، فرماندهان سپاه منصور به او خواهند پیوست.

منصور نامه های مشابهی نیز از زبان بزرگان و شخصیت های برجسته خراسان خطاب به محمد جعل می کرد، و اینها پیش از پیش محمد را به اوضاع خوش بین می ساخت.

۱- تاریخ طبری ج ۶ ص ۱۶۳

۲- مقاتل الطالبیین ص ۲۶۸

عباس، فعالیت، فعالیت، و سازماندهی شان دقیق تر و منظم تر بوده است.

فعالیت تبلیغی عباسیان از سال ۵۱۰۰ آغاز گردید و ۳۲ سال طول کشید، و در این مدت بخوبی توضیح و قوام یافت به طوری که در سال ۵۱۳۲ یعنی هنگام قیام عباسیان ثمره خود را به بار آورد و منجر به سقوط حکومت اموی گردید.

عباسیان تبلیغات خود را بطور دقیق و منظم ترتیب داده بودند، مثلاً در هر نقطه‌ای، تیم‌های سری تشکیل می‌دادند، به هر منطقه‌ای، نماینده و مبلغ اعزام می‌کردند، و خط مشی آنها را تعیین می‌نمودند.

محمد نیز می‌بایست همین راه را در پیش گیرد ولی او چنین نکرد.

گرچه رهبران انقلاب شیعیان در حجاز، برادران و فرزندان خود را به مناطق اسلامی اعزام کرد. (۲)

ولی اولاً گروهی از آنان نتوانستند به محل مأموریت خود برسند و یا در انجام مأموریت شکست خوردند و ثانیاً آنها نمی‌توانستند هم که به محل مأموریت خود رسیدند، نیروهای انقلابی را خوب سازماندهی نکردند بطوری که وقتی انقلاب برپا شد، از هزاران نفر که در ذلالت این نمایندگان ثبت نام کرده بودند، اهدی حرکت از خود نشان ندادند.

سال بیست و یکم شماره ۵

وی پاسخ داد: با کسی که از خود را با کودکان در میان گذارد، چنین رفتار نمی‌کنیم! (۱)

و سرانجام، محمد را همین شخص به شهادت رسانید و سر او را از تن جدا کرده نزد منصور فرستاد.

عدم سازماندهی نیروها

محمد نفس زکیه تنها به این خوشدل بود که مردم، دوستدار خاندان علی بن ابی طالب (ع) هستند و بنی عباس را غاصب خلافت می‌دانند، او مقداری نیز زوی تقوا و پاکی و فضایل انسانی خود حساب میکرد که مایه جلب توجه مردم بود. از اینها گذشته بنی هاشم در اواخر حکومت بنی امیه با او بیعت کرده بودند، و او این را برای خود یک امتیاز می‌دانست.

او چون به اینها دلگرم بود، نسبت به اعزام نمایندگان و مبلغان به کشورهای اسلامی، اهمیت نداد و سازماندهی منظم و دقیقی به منظور گسترش تبلیغ و رساندن پیام انقلاب به مناطق گوناگون برقرار نکرد. اگر فعالیت‌های تبلیغی و آگاهی بخش محمد را در مناطق اسلامی، با سازماندهی و فعالیت‌های تبلیغی عباسیان در اواخر حکومت امویان و هنگام گسترش تبلیغ بنی عباس مقایسه کنیم، خواهیم دید که بنی

۱- مدرک گذشته ص ۲۷۰

۲- مروج الذهب ج ۳ ص ۳۰۸

آنان از همان روش عباسیان استفاده کردند به این معنی که در «یمن» ستادی برای آموزش مبالغان تشکیل دادند، و از وجود غیرهاشمیان نیز استفاده کردند و «ابو- عبدالله» که یکی از شخصیت‌های شیعه بود، مانند «ابومسلم خراسانی» در قیام عباسیان، پرچمدار فاطمیان در مغرب شد، و علویان تنها در آستانه پیروزی، به فعالیت آشکار پرداختند و حکومت فاطمی را تشکیل دادند و طولی نکشید که مهربانان دست آنان افتاد.

حکومت فاطمیان از نظر وسعت و قدرت چنان عظمت یافت که با حکومت عباسی به رقابت پرداخت.



تاکتیک موفق

شیوه دیگری که عباسیان به کار بستند و به پیروزی آنها کمک کرد، این بود که رهبران نهضت، تا سقوط دولت بنی‌امیه در خلا بصری بردند، و برای نخستین بار موافق که تمام مقدمات پیروزی فراهم کردند، و «ابومسلم خراسانی» «مروان» آخرین خلیفه اموی را شکست داد، در کوفه آشکار شدند و تشکیل حکومت خود را اعلام نمودند. اگر محمدنفس زکیه نیز از همین تاکتیک استفاده می‌کرد، پیروز می‌شد ولی دیدیم که او پیش از آمادگی کامل، آشکار شد و در نتیجه باناکامی مواجه شد.

بهترین مؤید این نظر، روش بعدی علویان در تشکیل دولت فاطمی است زیرا

روزه دل مهم‌تر از روزه‌های دیگر است.

حضرت علی (ع):

صيام القلب عن الفكر في الايام افضل من صيام المرء عن

الطعام

ترجمه: «نهگداشتن دل از تفکر و اندیشه در گناهان، بهتر از امساک کردن انسان است از خوردن‌ها و آشامیدن‌ها است»

(غررالحکم صفحه ۳۵۸)